

## پرسش ۱۲۷: معنای توصیف خداوند سبحان به “الجواد الواسع”

سؤال / ۱۲۷: ما معنى ما ورد في الدعاء بوصف الله سبحانه وتعالى بالجواد الواسع ([81])؟ وهل صحيح بحسب ما يقول بعض العلماء إن الجواد الواسع هو لأن خزائنه لا تنفذ وخزائن خلقه تنفذ؟!

اینکه در دعا در توصیف خداوند سبحان و متعال (الجواد الواسع) (بخشنده‌ی نعمت‌های بی‌کران و فراگیر) آمده به چه معنا است؟ و آیا بنا بر آنچه برخی علما می‌گویند، این درست است که (الجواد الواسع) از آن رو است که گنجینه‌های او را پایانی نیست ولی گنجینه‌های خلق را نهایی است؟!

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

خزائنه سبحانه وتعالى لا تنفذ، لكن من هو الأعظم والأوسع جوداً الذي عنده دينار واحد فينفقه، أم الذي عنده أموال لا تعد ولا تحصى فينفق منها، ومهما أنفق منها فهي لا تنفذ؟!

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و

سلم تسليماً.

گنجینه‌های خداوند سبحان و متعال تمام نمی‌شود، ولی کدام یک جود و بخشش بیش‌تر و بزرگ‌تری دارد: کسی که یک دینار دارد و آن را انفاق می‌کند، یا کسی که اموال بی‌حد و حصری دارد و از آنها می‌بخشد و هر چه ببخشد باز هم تمام نمی‌شود؟!

من المؤكد أن الذي عنده دينار واحد هو الأوسع جوداً؛ لأنه أنفق كل ما عنده، أما الآخر فهو ينفق من خزائن، لا تنفذ، فمهما أنفق فهو لا ينفق كل ما عنده، فلا يكون جواداً واسعاً، إلا إذا أعطى خزائنه التي لا تنفذ، أي إنه يعطي نفسه، أي إنه يَجود بنفسه، والجود بالنفس غاية الجود، وهذا يفسره حديث: (الصوم لي وأنا أُجزى به) ([82])، أي إن جزاء الصوم عن الأنا - أي ترك الأنا - هو الله سبحانه، ومعنى هذا أن يكون العبد لسان الله ويد الله . . . . . ([83])، أي أن يستكمل العبد درجات الإيمان العشر، فيكون منا أهل البيت، قال تعالى: (فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ) ([84])، أي إنه يكون ممن أهله حاضرو المسجد الحرام، أي من أهل بيت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) كسلمان الفارسي (عليه السلام) ([85]).

به طور قطع و یقین جود و کرم آن کس که فقط یک دینار دارد، بیش تر و وسیع تر است؛ چرا که او تمام آنچه را که دارد می بخشد، ولی دیگری از گنجینه هایی که تمام نشدنی است انفاق می کند و هر قدر هم که انفاق کند، همه ی دارایی اش را انفاق نکرده است و از همین رو او بخشاینده ی بی کران نمی باشد، مگر اینکه گنجینه های بی انتهایش را ببخشد؛ یعنی خودش را عطا کند و به عبارت دیگر او نفس خودش را ببخشد، و جود و بخشیدن نفس، نهایت جود و کرم است و این موضوع را حدیث (الصوم لی و انا أُجزى به) ([86]) (روزه برای من است و من خودم پاداش آن هستم) تفسیر می کند؛ یعنی پاداش روزه گرفتن از منیت یعنی ترک گفتن من - خداوند سبحان می باشد و معنای این جمله آن است که بنده، زبان خدا و دست خدا می شود.... ([87]) یعنی بنده درجات ده گانه ی ایمان را به کمال می رساند و او از ما اهل بیت (علیهم السلام) می گردد. حق تعالی می فرماید: (سه روز در حج روزه بدارد و هفت روز چون از حج بازگردد، تا ده روز کامل شود و این حکم برای کسی است که از مردم مکه نباشد) ([88])؛ یعنی او از مردم مکه نباشد؛ یعنی از اهل بیت حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم)؛ همانند سلمان فارسی (عليهم السلام).

فالجواد الواسع هو الذي يجود بنفسه، فالله سبحانه وتعالى يجازي عباده المخلصين الذين أعرضوا عن الأنا بعد إعراضهم عن الدنيا وزخرفها، وبعد طاعتهم له سبحانه وتعالى في كل صغيرة وكبيرة، بأن يجعلهم مثله في أرضه، فقولهم قوله، وفعلهم فعله، وهذا ما ورد عنهم (عليهم السلام) إن قلوبنا أوعية لمشية الله، فإذا شاء الله شئنا [89]، وإن روح ولي الله تصعد إلى الله سبحانه، فيخاطبه الله سبحانه فيقول له: أنا حي لا أموت، وقد جعلتك حياً لا تموت [90].

پس (جواد واسع) آن کسی است که خودش را بذل و بخشش می کند. بنابراین خداوند سبحان و متعال به آن دسته از بندگان مخلصش که پس از اعراض و روی گردانیدن از دنیا و زینت‌هایش، از من و منیت روی گردانیدند و پس از آنکه در هر کوچک و بزرگی خداوند سبحان و متعال را اطاعت نمودند، پاداش می دهد به اینکه آنها را مثل خویش در زمینش می گرداند و در آن هنگام، گفتار آنها گفتار او و کردار آنها کردار او می باشد. این مطلب در روایتی از اهل بیت (علیهم السلام) که دل های ما ظرفی برای خواست و مشیت خداوند است، و اگر خدا بخواهد ما می خواهیم، [91] آمده است. روح ولی خدا به سوی خداوند سبحان بالا می رود و خداوند متعال او را مخاطب قرار داده، به او می گوید: من زنده ای هستم که نمی میرم، و تو را زنده ای نموده ام که نمی میری. [92]

قال تعالى: (وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ) [93]. فيكون العبد ممن شاء الله أن لا يصعق ولا يموت إلا الموتة الأولى، وهي نوع ارتقاء وليست موتاً حقيقياً، إنما الموت الحقيقي هو موت الروح لا الجسد: (لا يدُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَى) [94]. هذه هي حقيقة الجواد الواسع، أسأل الله أن يجعلكم ويجعلني ممن عرفوا الجواد الواسع حقيقة لا لفظاً ومعنى.

حق تعالی می فرماید: ( و در صور دمیده شود؛ پس هر که در آسمان ها و هر که در زمین است جز آنها که او بخواهد، بیهوش می شوند) [95]؛ پس بنده جزو کسانی می شود که خدا خواسته بیهوش نشود و نمیرد، مگر به مرگ نخستین که در واقع نوعی

ارتقا است و مرگ واقعی نمی‌باشد و مرگ واقعی، مرگ روح است نه جسد: ( در آنجا طعم مرگ را نمی‌چشند، مگر همان مرگ نخستین. ) [96] این است حقیقتِ (جواد واسع). از خداوند مسئلت دارم که شما و مرا جزو کسانی که جواد واسع را حقیقتاً و نه فقط در الفاظ و معنا دریافته‌اند، قرار دهد.



[81] - إقبال الاعمال لابن طاووس : ج 2 ص 74.

[82] - الكافي : ج 4 ص 63 ح 6 . وتقدم شرح الحديث في المتشابهات : ج 1 / سؤال رقم (13) .

[83] - عن حماد بن بشير قال : سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول : قال رسول الله (ص) : (قال الله عز وجل : من أهان لي ولياً فقد أَرصد لمحاربتي وما تقرب إليَّ عبد بشيء أحب إليَّ مما افترضت عليه وإنه ليتقرب إليَّ بالنافلة حتى أحبه، فإذا أحببته كنت سمعه الذي يسمع به وبصره الذي يبصر به ولسانه الذي ينطق به ويده التي يبطش بها، إن دعاني أجبتة وإن سألتني أعطيتة، وما ترددت عن شيء أنا فاعله كترددني عن موت المؤمن يكره الموت وأكره مساءته ) الكافي : ج 2 ص 352 ، فالحديث يشير إلى أن التقرب بما افترض الله أعظم من التقرب بالنوافل .

[84] - البقرة : 196.

[85] - سبق الكلام في هذه النقطة بشرح تفصيلي في المتشابهات : ج 3 / سؤال حول سر الأربعين برقم (93) .

[86] - كافي : ج 4 ص 63 ح 6 و شرح حديث در کتاب متشابهات ج 1 پرسش شماره‌ی 13 آمده است.

[87] - از حماد بن بشير روایت شده است که گفت: شنیدم ابا عبد الله ع می‌فرماید: (رسول خدا ص فرمود: خداوند عز و جل فرمود: هر کس به یک دوست من اهانت کند، به جنگ با من برخاسته است و هیچ یک از بندگانم به من تقرب نجوید مگر با عملی که نزد من محبوب‌تر باشد از آنچه بر او واجب کرده‌ام، و به درستی که به وسیله‌ی نماز نافله به من تقرب جوید تا آنجا که من دوستش بدارم، و چون دوستش بدارم آنگاه گوش او شوم که با آن بشنود، و چشمش شوم که با آن ببیند، و زبانش گردم که با آن بگوید، و دستش شوم که با آن بگیرد، اگر بخواندم اجابتش کنم، و اگر خواهشی از من کند به او بدهم و آنچه درباره‌اش اقدام می‌کنم مانند اقدامم در مرگ مؤمن در حالی که مرگ را نمی‌پسندد، به دلیل آن است که می‌خواهم به این وسیله از سختی و امور ناپسند دور بماند). کافي: ج 2 ص 352 و 353 ، و حديث اشاره می‌کند به اینکه تقرب جستن به وسیله‌ی آنچه خداوند واجب دانسته برتر از تقرب جستن به وسیله‌ی نوافل می‌باشد.

[88] - بقره: 196.

[89] - جاء في الحديث عن الإمام المهدي (عليه السلام): (يا كامل بن إبراهيم . . . وجئت تسأله عن مقالة

المفوضة ، كذبوا عليهم لعنة الله، بل قلوبنا أوعية لمشیئة الله، فإذا شاء الله شئنا، والله عز وجل يقول: وما تشاءون إلا أن يشاء الله) دلائل الإمامة للطبري : ص 506.

[90] - ورد في الحديث القدسي : (يا ابن آدم أنا غني لا أفترق، أطعني فيما أمرتك أجعلك غنياً لا تفتقر. يا ابن آدم أنا حي لا أموت، أطعني فيما أمرتك أجعلك حياً لا تموت. يا ابن آدم أنا أقول للشيء كن فيكون، أطعني فيما أمرتك أجعلك تقول للشيء كن فيكون) بحار الأنوار : ج 90 ص 376.

[91] - در روایت از امام مهدی ع آمده است: (ای کامل بن ابراهیم....آمدهای از عقاید مَفوضه سؤال کنی؟ مَفوضه در عقیده که لعنت خدا بر آنها باد، دروغ گفتند؛ بلکه دل‌های ما ظرف‌هایی برای خواست و مشیت خداوند است. پس هر وقت خداوند چیزی را بخواهد، ما می‌خواهیم چنان که خود فرموده است: (وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ) (نمی‌خواهید چیزی مگر اینکه خداوند بخواهد). دلایل الامامت طبری: ص 506.

[92] - در حدیث قدسی آمده است: (ای فرزند آدم! من بی‌نیازی هستم که نیازمند نمی‌شوم؛ مرا در آنچه به آن امر کرده‌ام اطاعت کن تا تو را بی‌نیازی کنم که نیازمند نشوی. ای فرزند آدم! من زنده‌ای هستم که نمی‌میرم، مرا در آنچه امر کرده‌ام اطاعت کن تا تو را زنده‌ای قرار دهم که فنا نشوی. ای فرزند آدم! من چون چیزی را بخواهم، به آن می‌گویم: باش! پس موجود می‌شود؛ مرا در آنچه امر کرده‌ام اطاعت کن تا تو را چنین سازم که هر چه را بخواهی، بگویی: باش! پس موجود شود). بحار الانوار: ج 90 ص 376.

[93] - الزمر : 68.

[94] - الدخان : 56.

[95] - زمر: 68.

[96] - دخان: 56.